روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۲ اذان مغرب ۱۷:۱۲ اذان صبح فردا ۵:۲۴ طلوع آفتاب ۶:۵۳

روزنامه شرق

چهارشنبه ● ۶ آذر ۱۳۹۲ ● ۲۳ محرم ۱۴۳۵ ● ۲۷ نوامبر ۲۰۱۳ ● سال یازدهم ● شماره ۱۸۹۱ ● ۱۶صفحه

بزرگداشت روز جهانی فلسفه

شرق: ساعت ۱۶روز پنجشنبه هفتم آذر موسسه «پرسش» سمیناری با عنوان «وضعیت کنونی فلسفه در ایران» برگزار خواهد کرد. در این سمینار یک‌روزه که به مناسبت روز جهانی فلسفه و در ادامه سلسله‌سمینارهای این موسسه با عنوان «پنجشنبه‌های پرسش» برگزار می‌شود، سیدجواد طباطبایی و ضیاء موحد به ترتیب با موضوعات «فلسفه سیاسی در ایران معاصر» و «وضعیت فلسفه تحلیلی در ایران معاصر» سخنرانی می‌کنند.

نگاه مولف

نشانه‌های تغییرات احتمالی

حسین سناپور*

● در طول هشت‌سال آنقدر اتفاق‌های بد برای حوزه فرهنگ و به‌خصوص ادبیات ما- که من بیشتر آشنایش هستم- افتاده، که اگر دولت آقای روحانی ۱۰برابر این هم انجام می‌داد، کم بود، چه برسد به حالا که شاید برخلاف حوزه‌های اقتصادی و آموزشی کارها به کندی و انگار با تامل پیش می‌رود. در هشت سال گذشته آنقدر گرفت‌وگیر در حوزه کتاب بوده، و آنقدر کاغذ گران شده و خواننده کتاب کم، و آنقدر ناشران در فشار و تنگنا بوده‌اند، و آنقدر کتاب‌های ترجمه رواج بیشتری گرفته به جای کتاب‌های تالیفی، و آنقدر نویسنده‌ها کتاب‌هاشان را در کشورهاشان نگه داشته‌اند از ترس ممیزی (و حتما خیلی‌ها هم فکرها و داستان‌هاشان را در ذهنشان)، که اگر همین حالا روزی دست‌کم ۲۰ یا ۳۰ کتاب داستانی ایرانی مجوز بگیرد و به بازار بیاید، باز کم است؛ گرچه تازه خبری حتی از چندتایی رمان و مجموعه داستان شنیده‌ایم، که مجوز گرفته‌اند و به زودی منتشر می‌شوند.

حالا که صد روز از شروع به کار دولت آقای روحانی می‌گذرد، آنچه دست‌کم در میان اهل ادبیات و دست‌اندرکاران نشر می‌شنویم و می‌گوییم صبر است. هنوز ما منتظریم تا ببینیم اصلا اتفاقی می‌افتد یا نه. بعضی از مسوولان حوزه کتاب عوض شده‌اند، آقای وزیر در موارد زیادی حرف دل اهل قلم را زده است، سه، چهارباری که حرف‌های آقای صالحی، معاونت فرهنگی ارشاد، را خوانده‌ام، حرف‌هاشان را معقول و همراه با شناخت و استدلال دیده‌ام، و گمانم این بوده که با تغییر رییس اداره کتاب، از آن همه کتاب‌های مانده در این اداره به زودی باید تعداد زیادی مجوز بگیرند، به اعتراض‌ها رسیدگی شود، ناشران لغو مجوزشده بتوانند دوباره به کارشان ادامه بدهند (و حدود ۱۰کتابی هم که مثلا خود من از طریق نشر چشمه منتشر کرده‌ام، با فعالیت دوباره این نشر، امکان انتشار مجدد بگیرد)، اما هنوز هیچ‌کدام این اتفاق‌ها نیفتاده؛ بررسی‌های ارشاد گویا همان‌ها هستند، سرپرست اداره کتاب نمی‌خواهد- به این دلیل که سرپرست است و نه رییس- فعلا دست به ترکیب این اداره بزند، و ناشران هم حتی برای دادن کتاب‌های تازه‌شان به اداره کتاب برای گرفتن مجوز، همچنان منتظر دیدن نشانه‌های تغییر در این اداره هستند. و البته مهم‌تر از همه اینها به گمان من عملی‌نکردن وعده انتخاباتی آقای روحانی، مبنی بر رفتار مشابه‌کردن ارشاد با کتاب همچون مطبوعات، بوده است، که می‌توانست مهم‌ترین بخش کار غیرقانونی ممیزی را منتفی کند. امیدوارم با طرحی که از طرف اتحادیه ناشران چند روز پیش به آقای صالحی داده شده و خواسته شده که نظارت بر کتاب به بعد از انتشار موکول شود و به دست قوه‌قضاییه انجام شود (کاری شبیه به آنچه که ما در نامه معروف به ۲۱۴نفر خواستارش شده بودیم)، معاونت فرهنگی بالاخره بررسی پیش از انتشار را کنار بگذارند و بگذارند همان‌طور که در قانون اساسی آمده کتاب‌ها در انتشار آزاد باشند و دادگاه‌های صالح فقط بعد از انتشار به محتوای کتاب‌ها رسیدگی کنند. به هر حال می‌شود گفت ما فعلا فقط نظرات مسوولین حوزه کتاب را شنیده‌ایم که قول رفتارهای قانونی و غیرسلیقه را داده‌اند و همین را به نشانه تغییرات احتمالی در حوزه کتاب در آینده گرفته‌ایم و همچنان منتظر تغییرات واقعی و جدی در عرصه فرهنگ مکتوب و به‌خصوص ادبیات، هستیم.

*** به‌تازگی دو مجموعه شعر «آداب خداحافظی» و «خانه این تابستان» از حسین سناپور در نشر چشمه منتشر شده است.**

گزارش

مصطفی ملکیان در هشتادمین زادروز علی شریعتی مطرح کرد

شریعتی؛ فردگرای جمع‌گرا

رضا باقرزاده‌مقدم

عصر روز یکشنبه، سوم آذر، جلسه‌ای به بهانه هشتادمین زادروز علی شریعتی و به قصد نقد و بررسی «تفسیر سمفونی استقبال در اورلی» و «در باغ اُسرواتوار» از مجموعه «کویریات» او، با حضور خانواده ایشان در محل بنیاد شریعتی برگزار شد. در این جلسه، مصطفی ملکیان، از مهم‌ترین چهره‌های روشنفکری کشورمان در یکی، دو دهه اخیر که در سال‌های گذشته علاوه بر تالیف و ترجمه آثار فلسفی متعدد، بیشتر هم‌وغم‌اش، معطوف و ناظر به پروژه «عقلانیت و معنویت» بوده است و قایل به تقدم فرهنگ بر سیاست و اولویت نقد فرهنگی جامعه پیش از نقد سیاسی دولت است، تنها ضمن اشارات کوتاهی به دو اثر یادشده که دلیل اصلی برگزاری این جلسه بود، بیشتر به تشریح دیدگاه‌های خود راجع به آرای شریعتی به‌خصوص در باب «عشق و دوستی» پرداخت. پیش از گفته‌های ملکیان، سوسن شریعتی، با تقسیم‌بندی کلی آثار پدرش ذیل سه عنوان «کویریات»، «اسلامیات» و «اجتماعیات»، اظهار کرد: «کویریات» جزو اولین نوشته‌های شریعتی پس از بازگشتش از فرانسه است که در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ از سوی جامعه، با استقبال چندانی مواجه نمی‌شود، تازه در دهه ۷۰ بود که مخاطب خودش را پیدا کرد و البته امروز این‌دسته از آثار شریعتی که به آنها «نوشته‌های عارفانه» نیز اطلاق می‌شود، در میان مجموعه کارهایش پُرتیراژترین هستند. سوسن شریعتی در ادامه گفت: مواجهه میان این سه ساحت در آثار شریعتی ما را به طرح پرسش‌هایی ازاین‌دست می‌رساند که او چگونه این سه ساحت را با هم زیسته و در کنار هم نشانده است؟ آیا این سه ساحت در جنگ با هم هستند؟ آیا جایگاه اجتماعی شریعتی با وضعیت انسانی او در تعارض بوده است؟ نسبت میان دیگری اسلامی و دیگری اجتماعی چیست؟ آیا باید از ضرورت‌های اجتماعی شروع کرد یا از ضرورت‌های فردی؟

او در ادامه افزود: ای‌بسا که برای تجربه نوع دیگری از دینداری بتوان به «کویریات» رجوعی دوباره داشت. آثاری که شریعتی در آنها می‌کوشد با احیای یک من متشخص، با توسل به فرم خاص ادبی، شکیاتش را طرح کند، سانسور را دور بزند، خود را تکثیر کند، ناظر و قاضی زندگی خود باشد، مدام جایش را تغییر دهد تا بتواند خود را نظاره‌گر باشد و آزادی را حتی در شکل نوشته‌هایش، بیازماید و تجربه کند. آن آزادی را که سوای ترجمه و تالیف دیگر آثارش و خطابه‌ها و سخنرانی‌های اینجا و آنجاست.

اما ملکیان ضمن بیان اینکه به لحاظ عاطفی و احساسی بسیار علاقه‌مند به شریعتی است، گفت: آشنایی من با شریعتی به ۱۳ سالگی‌ام بازمی‌گردد و به مرور این علقه من نسبت به ایشان، عمیق‌تر شده است. من شریعتی را به لحاظ منش و شخصیت، یک انسان دوست‌داشتنی و جذاب می‌دانم، اما از سوی دیگر، از آنجا که هرگاه درباره او سخن گفته‌ام همیشه تنها یک وجه نقادانه از سوی من دیده شده است، بعضی از شیفتگان شریعتی گمان می‌کنند که گویی من دشمن قسم‌خورده اویم. به واقع اینطور نیست. شریعتی در ۴۴سالگی از دنیا رفته است، یعنی من همین حالا ۱۳سال از آن‌وقت شریعتی مسن‌ترم. اگر نقدی بر او وارد است، این موضوع را حتما باید لحاظ کرد و نباید او را چنان سنجید که مثلا متفکری ۷۰ساله را که همه‌چیز در او به عمق رسیده است. درباره «کویریات» شریعتی باید بگوییم، این‌دسته از آثار او در مقایسه با باقی کارهایش، همیشه برای من بهترین بوده است و من نسبت به آنها شیفتگی داشته‌ام، هرچند نسبت به «اسلامیات» ایشان همدلی نداشته‌ام و با «اجتماعیات»اش تنها تا حدوی همراهم. شریعتی فردگرایی بود که فیلم جمع‌گرایی بازی می‌کرد. من هم همین‌طورم، اما شریعتی در این کار خیلی بهتر از من است. من از اساس فردگرا هستم که تنها به خاطر شأن خودم وارد اجتماع شدم. این فردگرایی را می‌توان در شریعتی مشاهده کرد و بیش از همه در «کویریات»اش. او خود هم معتقد است که بهترین آثارش «کویریات» هستند و این مساله گویای فردگرایی اوست. شریعتی می‌خواست از قیل و قال عالم بگریزد، اما به ناچار وارد این ماجراها شده بود. در عین حال، ملکیان، شریعتی را فاقد روحیه نقد آکادمیک می‌داند و در این‌باره می‌گوید: او اصلا روحیه تدقیق و به تعبیری «موش‌کشی» در آثار را نداشته است. در بسیاری از اظهارنظرهای او راجع به آثار متفکران مختلف این موضوع گویاست. کافی است نگاهی به گفته‌های او راجع به بسیاری آثار نگاهی اجمالی بیندازیم. برای مثال با چند عبارت کلی و در شش - هفت خط راجع به «هنر عشق ورزیدن» اریک فروم گفته و گذشته است. من نمی‌توانم این را صرفا به پرشتاب‌بودن زمانه او نسبت دهم. او تنها به آنچه از فضای کلی کتاب یا نویسنده‌ای دریافت، بسنده می‌کرده است.

من راجع به بحث اصلی‌ام که بررسی مقوله عشق در آثار شریعتی است، به طریقی دیگر عمل می‌کنم. یعنی صرفا به بیان دیدگاه‌های او در این‌باره نمی‌پردازم، بلکه می‌گویم با مواد خامی که در مجموعه کارهای او وجود دارد، چگونه می‌توانست بسط یابد:

بحث از ماهیت عشق

الف) عشق چیست؟ چه ذاتی دارد؟ اولین سوال در این‌باره این است که آیا عشق یک فعل ارادی است یا یک انفعال است؟ آیا با اراده عاشق می‌شویم یا منفعلانه و ناخودخواسته؟ دکتر شریعتی در مقاله «دوستی برتر از عشق است» و در «تفسیر سمفونی استقبال در اورلی» از آنجا که دوستی را عملی ارادی و خودخواسته می‌داند و عشق را کنشی منفعلانه، پس دوستی را از عشق برتر می‌داند.

ب) عشق چه رابطه‌ای با لذت دارد؟ آیا در رابطه عاشقانه، عاشق از معشوق کسب لذت می‌کند یا خیر؟

ج) عشق چه رابطه‌ای با میل دارد؟ آیا عشق، تنها میلی تشدیدیافته است یا اینکه عشق با میل (desire) متفاوت است؟ آیا عشق زیرمجموعه‌ای از میل است یا اینکه میل و عشق را باید دو چیز متمایز دانست؟ شریعتی به تفکیک میل و عشق قایل است و من هم در این‌باره با او موافقم.

د) شدت و خفت عشق: کجا عشق شدت می‌گیرد و چه هنگام عشق خفیف می‌شود؟

هـ) رابطه عشق و دوستی: آیا این دو مصداق یک مفهوم‌اند یا اینکه دو چیزند؟ شریعتی انگار آنها را دو چیز و متمایز از هم می‌داند. تمامی این بحث‌ها که ذیل «ماهیت عشق» از آنها صحبت می‌شود، در آثار شریعتی نیز آمده است، هر چند او از ویژگی‌های دیگری نیز در این‌باره می‌توانست حرف بزند. ملکیان در ادامه به بحث از متعلق عشق، انواع عشق، و ارزش داوری عشق پرداخت و هریک را به تفصیل بررسی کرد. در انتها، او با بیان اینکه فقدان و نبودِ عشق، موجب شکل‌گیری رژیم‌های توتالیتر است، عنوان کرد بحث راجع به عشق یکی از مسایل اساسی در اصلاح امور اجتماعی است و از این حیث باید بیش از پیش به آن پرداخت.

علی جهانشاهی
alij.shahi@gmail.com

کارتون خواب

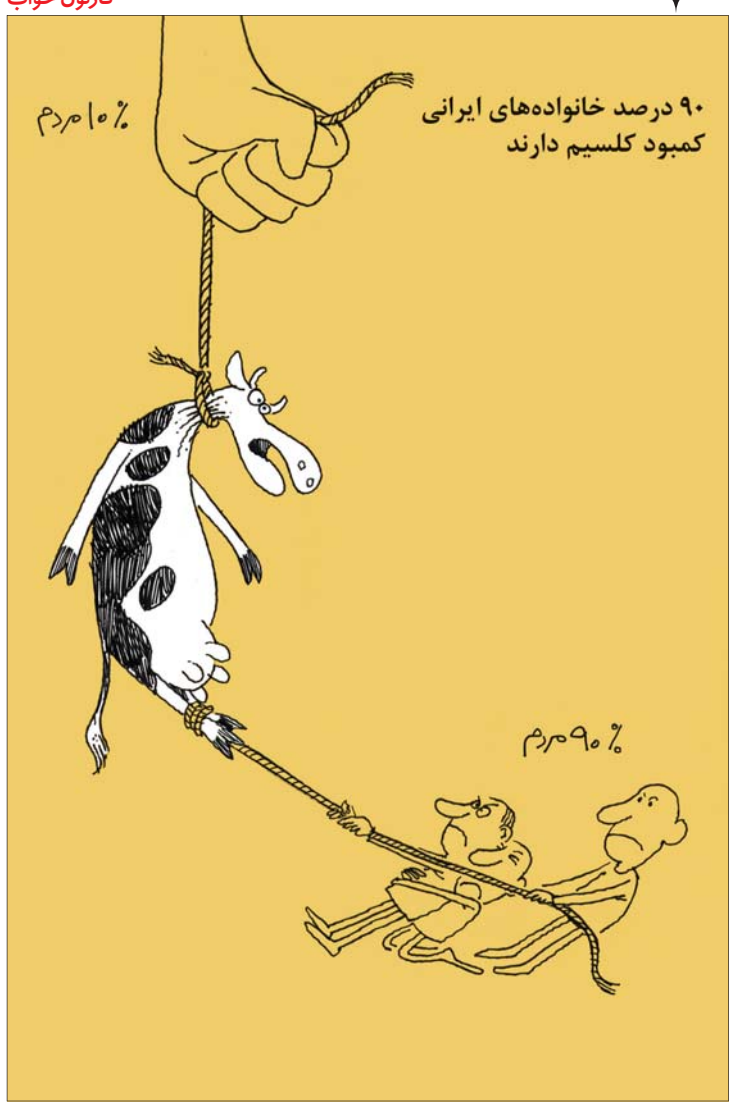

از هر نظر بی‌ضرر

تحلیل ساعتی

پوریا عالمی

● امروز به مساله تحلیل سیاسی و اجتماعی می‌پردازیم. البته «واکنش اجتماعی» موضوع دیگری است، اما علاوه بر مرغ پخته، آدم هم به خنده می‌افتد از بعضی از دلاوران که «تحلیل ساعتی» دارند و بدمصب هر ساعت یک‌طور تحلیل را ارایه می‌کنند و طوری تز می‌دهند که جای آنتی‌تز باید «آنتی‌بیوتیک» و «آنتی‌هیستامین» مطرح و مصرف کرد. بعد مساله اینجاست دلاوران با نظریات و تحلیل‌های خود که در لحظه صادر می‌کنند، اصولا رفتار ... می‌کنند. یعنی می‌زنند چشمش را درمی‌آورند. این دلاوران برای اینکه کسی نظریاتشان را نقد نکند، اصولا فحش و ناسزا می‌گذارند. یعنی می‌گویند [...]و مسایل خانوادگی و مواضع حساس کسی که نظر آنان را نقد یا رد کند، در یادداشت، اس‌ام‌اس و روی دیوار سرویس‌های بهداشتی مورد بررسی قرار می‌دهند.

مثال تحلیل ساعتی ۱: یک‌ساعت می‌گویند اکابر جهان نرفتند «ژنو»، پس مالیدیم. یک ساعت بعد می‌گویند اکابر جهان دارند می‌روند «ژنو»، پس داریم می‌مالیم. یک ساعت بعد می‌گویند اکابر جهان - همان‌طور که ما گفتیم - رفتند «ژنو»، خیلی ظریف مالیدیم بهشان، طوری که متوجه هم نشدند و افسر هم بیاید، مقصر آنها هستند.

مثال تحلیل ساعتی ۲: یک ساعت می‌گویند ارز آزاد نشده، پس همه ساده‌لوح هستید. یک ساعت می‌گویند ممکن است آزاد شود، پس همه ساده‌انگار هستید. یک ساعت می‌گویند همان‌طور که ما محکم گفتیم مبالغی دیشب که ما خوابیدیم آزاد شدند، پس همه ساده‌جگر هستید. یک ساعت می‌گویند دیدید آزادی‌ها موقتی بود و تز محکم من را نپذیرفتید، پس ساده‌عقل هستید.ما چه می گوییم؟ ما ساده هستیم، شما ساد... . مراقب خودت باش.

کار در خانه: پنج تحلیل ساعتی را از پنج محلل یا همان تحلیلگر در قید حیات، بررسی کنید و نتیجه را به اطلاع عموم برسانید تا حساب کار بیاید دستمان. ممنون.